

هم‌شاگردی سیاسی

واحد سیاسی اتحادیهٔ جامعه اسلامی دانشجویان
بهمن‌ماه ۱۳۹۹ - شمارهٔ اول



موضوعات این شماره:

تاریخچهٔ دموکراسی و دموکراسی خواهی در ایران
نگاهی به الگوی اجرای انتخابات در کشور
نهاده‌ها و سازمان‌های موثر در انتخابات
نسبت مردم با تحقق دموکراسی در کشور
جمهوریت دینی و فرصت انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه

نشریه «هم‌شماره» آگرادی سیاسی»

صاحب امتیاز: اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

مدیرمسئول: محمد امین جعفری

سردبیر: محمد قاسمی فر

گرافیکست و صفحه‌آرا: سجاد کاظمی

هیئت تحریریه:

آقایان توحید تقی زاده، امیرمحمد زارعی، محمد قاسمی فر،

امیرمحمد حسینی، علی مهدوی، محمد علی ریاحی،

امیرمحمد ربانی و امیرمحمد کولانی

و خانم‌ها زمانی، تقوایی، حاج‌محمدی و خسروی

فهرست

- ۴..... شورای نگهبان، نگهبان آرا
- ۵..... ضرورت نظارت بر انتخابات
- ۶..... نگاهی گذرا به الگوی انتخابات در کشور
- ۸..... مردم، رکن اساسی مشروعیت نظام سیاسی
- ۱۰..... مشروطه، دموکراسی خواهی نافرجام
- ۱۱..... جمهوریت، ارمغان انقلاب اسلامی مردم ایران
- ۱۳..... انتخابات در ایران چه نسبتی با تحقق دموکراسی دارد؟
- ۱۵..... نسبت مردم با انتخابات در جمهوری اسلامی ایران
- ۱۶..... مردمان امامزاده و خادمان مسئول
- ۱۷..... شورای نگهبان، نگهبان قانون و شرع
- ۱۹..... نگاهی به نقش شورای نگهبان در انتخابات
- ۲۰..... اصلاح قانون انتخابات، ضرورت فراموش شده دموکراسی در کشور
- ۲۲..... معرفی کتاب: فتنه تغلب

شورای نگهبان، نگهبان آرا

از تفسیر قانون یا نظارت استصوابی...

توحید تقی زاده

دبیر کل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

به آن است، مربوط به نظارت بر انتخابات بوده است. با توضیحاتی که ارائه شد، مشخص گردید که منطقاً نظارت استصوابی حق و تکلیف شورا است. چرا که در غیر این صورت وظیفه نظارت بر انتخابات معنا و مفهوم خود را از دست می دهد. در صورت استطلاعی دانستن نظارت، چون مرجعی بالاتر از شورا وجود ندارد که بخواهد اطلاع او را ترتیب اثر بدهد، لذا می توان گفت این نظارت لغو و بیهوده خواهد بود. به عبارت دیگر اگر این نظارت هیچ ضمانت اجرایی ندارد، پس فایده آوردن آن در قانون اساسی چه بوده است؟

مطابق با قانون اساسی، تفسیر این قانون بر عهده شورای نگهبان است، که تفسیر این شورا از نظارت، همان نظارت استصوابی است و شامل تمام مراحل انتخابات می شود. همچنین از آنجایی که در اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت به صورت عام بیان شده و قید استطلاعی و یا استصوابی بودن آن ذکر نگردیده، نشانگر مطلق و عام بودن (استصوابی بودن) آن است و به این دلیل که نظارت استصوابی شامل نظارت استطلاعی نیز می باشد، لذا نظارت در این اصل، استصوابی است. از طرفی وقتی مسئولیتی بر عهده فرد یا نهادی قرار داده می شود، لازمه اش دادن اختیارات به اوست تا بتواند مسئولیت خود را به نحو احسن انجام دهد.

در نهایت باید گفت که ایجاد شبهه و اعتراض نسبت به این وظیفه شورا نیز عموماً جنبه های سیاسی و جناحی دارد. چرا که برخی سیاسیون در زمان پیروزی یا شکست موضع متفاوتی در خصوص شورا اتخاذ می نمایند، که نشان از غیر علمی بودن اعتراضات آنهاست. در برخی انتقاداتی که نسبت به نظارت استصوابی شورای نگهبان می شود، مقصر اصلی در ناکارآمدی های دولت و مجلس را نظارت استصوابی شورای نگهبان معرفی می نمایند؛ به نظر می رسد دلیل ناکارآمدی را باید در جای دیگری و عمدتاً در روحیه اشرافی، لیبرالی و غیرجهادی برخی افراد مسئول جستجو نمود.

شورای نگهبان، یکی از ابداعات و نوآوری ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی است که در پیش نویس قانون اساسی، با عبرت گیری از تاریخ مشروطه و نیز برداشت از نهادهایی مشابه در قوانین اساسی سایر کشورها (مانند شورای قانون اساسی فرانسه)، تاسیس شده بود که توسط خبرگان منتخب مردم برای تدوین قانون اساسی به تصویب رسیده و به عنوان اصل نود و یکم قانون اساسی خودنمایی می کند.

مطابق قانون اساسی، شورای نگهبان وظایف متعددی بر عهده دارد.

این وظایف در اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی و نیز در چند اصل دیگر آمده است؛ از جمله:

۱. نظارت بر قوانین و مقررات

۲. تفسیر و بازنگری قانون اساسی

۳. نظارت بر داوطلبی، انتخابات و همه پرسی

در جمهوری اسلامی نیز که به طور متوسط هرساله یک انتخابات برگزار شده، قانون اساسی، حفظ و صیانت از آرای مردم، به عنوان حق الناس، را بطور اختصاصی به جز در انتخابات شوراها (مطابق اصل یکصدم قانون اساسی) بر عهده نهاد شورای نگهبان قرار داده است.

بنابراین مشابه شورای نگهبان قانون اساسی ایران، در کشورهای دیگر هم نهادهایی تحت عنوان شورا یا دادگاه وجود دارند که وظیفه ی آن ها نظارت بر صحت انتخابات است. این نظارت در نهایت به دادگاه قانون اساسی، دادگاه عالی عدالت، شورای قانون اساسی، دیوان عالی کشور یا نهاد مشابه دیگری که واپسین تصمیم به عنوان فصل الخطاب گرفته و در برابر این تصمیم به شخص یا نهادی پاسخگو نیست، ختم می شود و گاه نمونه هایی از نظارت استصوابی مشاهده می شود که توسط نهادهای عالی نظارتی اعمال می شود که جزء یا کل نتایج انتخابات از سوی نهاد عالی نظارتی ابطال میگردد؛ موردی که بیشترین اعتراض و انتقاد به شورا مربوط

ضرورت نظارت بر انتخابات

نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی

امیر محمد زارعی

دبیر سیاسی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

جریان برگزاری انتخابات اعمال نفوذ کرده، لذا برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی قوه مجریه و صیانت از حق انتخاب مردم، وجود یک نهاد ناظر بی طرف برای کنترل و نظارت بر انتخابات لازم و ضروری است.

۲- انتخابات همواره محل رقابت است و رقابت های انتخاباتی اغلب دستخوش سوء استفاده های چون تطمیع، تهدید، و خلافاکاری می شود و مخصوصاً در جهان امروز که همه چیز تحت سیطره تبلیغات و پول واقع شده، انتخابات نیازمند مراقبت شدید است، به همین خاطر نظارت بر انتخابات و انجام آن تحت مراقبت های یک نهاد ناظر بی طرف ضروری است.

۳- برای جلوگیری از رقابت ناسالم و هرگونه خدشه در آرای مردم در انتخابات، نهادی بی طرف می بایست بر امر مهم انتخاب از شروع صبت نام تا اعلام نتایج با دقت و امانت نظارت کند.

۴- تجربه نشان داده است که جلب اعتماد نسبت به انتخابات تنها هنگامی امکان پذیر است که نهاد ناظر انتخابات بی طرف باشد و این گونه نیز جلوه نماید.

۵- اجرای عدالت و عدم تضییع حقوق افراد و برگزاری انتخابات عادلانه و آزاد ایجاب می نماید که هیچ قدرتمند و کارگزار حکومتی نتواند از ابزار قدرت و با ایجاد رعب و وحشت یا استفاده از امکانات دولتی و اعمال نفوذ و زنه انتخابات رابه نفع خود سنگین کند. این مهم مستلزم وجود یک نهاد مستقل و بی طرف جهت کنترل و نظارت بر انتخابات است.

با توجه به مطالب بالا می توان گفت که برگزاری انتخابات سالم، عادلانه و به دور از هرگونه تقلب و اعمال نفوذ، مستلزم کنترل و نظارت توسط یک نهاد بی طرف و مستقل است. این نهاد بی طرف و ناظر یا توسط قانون اساسی و یا توسط قانون عادی در کشورهایی که انتخابات در آن ها برگزار می گردد، تاسیس می شود.

در جمهوری اسلامی ایران، بر اساس قانون اساسی شورای نگهبان وظیفه و اختیار دارد، تمام فرآیند انتخابات از آغاز ثبت نام تا اعلام نتایج را کنترل و بر برگزاری انتخابات نظارت دقیق و کامل داشته باشد تا آن چه از صندوق های رأی بیرون می آید برآیند واقعی اراده مردم باشد.

فلسفه نظارت بر انتخابات، پیشگیری از رقابت ناسالم بین داوطلبان و نیز جلوگیری از تخلفات و خطاهای برگزارکننده انتخابات و صیانت از آرای مردم است. هر جا که تخلف، تقلب و خطای مجری قانون، محتمل باشد، نظارت بر اجرا نیز موضوعیت پیدا می کند. در واقع نفی نظارت بر اجرای قانون، به معنای محتمل شدن تخلف، تقلب و خطای در اجرا است. فلذا نظارت بر انتخابات امری مسلم، منطقی و ضروری به نظر می رسد.

نظارت بر انتخابات در واقع تیغ دولبه ای است که از یک سو می تواند تضمین کننده و پاسدار، این حق بنیادین باشد و از سوی دیگر، تهدید و تحدید کننده آن باشد. نظارت بر انتخابات در قوانین اساسی کشورها مورد توجه قرار گرفته و غالباً سعی شده است که مرجع ناظر متشکل از افرادی باشد که در نتیجه انتخابات ذی نفع نباشند. در این خصوص بیشترین توجه بر این است که قوه مجریه به خاطر ذی نفع بودن از نتیجه انتخابات، اولاً در مقام نظارت مذکور قرار نگیرد و ثانیاً در مقام مجری انتخابات توسط قوه ناظر تحت نظارت و کنترل قرار گیرد.

معمولاً نظارت بر انتخابات هم مرحله مراقبت و پیشگیری از وقوع تخلفات انتخاباتی و هم مرحله پیگیری شکایات و حل و فصل دعاوی انتخاباتی را شامل می شود.

با توجه به تعاریف بالا نظارت بر انتخابات را می توان صورت زیر تعریف نمود: کنترل و تحت نظر قرار دادن فرآیند انتخابات از ابتدای ثبت نام تا پایان اعلام نتیجه رای گیری از حیث برگزاری سالم و منطبق با شرایط قانونی. این نظارت باید به دست کسانی باشد که علاقه و منفعت خاصی نسبت به نتیجه انتخابات نداشته باشند، تا بتوانند درستی و امانت لازم را در کار نظارت بی طرفانه بر عهده گیرند.

مهم ترین دلایل نظارت بر انتخابات و وجود نهاد ناظر بی طرف را بدین صورت می توان بیان کرد:

۱- در اغلب کشورها، برگزاری انتخابات به عهده قوه مجریه است. به همین دلیل بیم این می رود قوه مجریه در

نگاهی گذرا به الگوی انتخابات در کشور

سیر تا پیازا اجرای انتخابات در کشور...

محمد قاسمی‌فر

دبیر سیاسی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

می‌گیرد و همچنین ترغیب شهروندان و اصحاب رأی و نامزدها یا ذینفعان انتخابات به مشارکت در انتخابات است که با سازوکارهای برون سازمانی و نوعاً از طریق رسانه های عمومی صورت می‌گیرد.

بر اساس تجربه کشورها در مدیریت انتخابات سه الگوی مستقل، دولتی، و ترکیبی در مدیریت انتخابات شناسایی شده است. الگوی مستقل مدیریت انتخابات در کشورهایی رایج است که هیئت مدیره برگزاری انتخابات از نظر نهادی مستقل از قوه مجریه هستند و اعضای آن کارمندان قوه اجرایی نیستند. در این الگو، هیئت مدیره انتخابات، استقلال مالی داشته و در برابر قوه مجریه و نهادهای آن پاسخگو نیستند و ممکن است در برابر مجلس قانون گذاری، قوه قضائیه یا رئیس کشور مسئول باشند. مدیریت انتخابات در کشورهایی نظیر کانادا و هندوستان در قالب این الگو جای می‌گیرد.

در برخی دیگر از کشورها انتخابات توسط یک وزارتخانه - عمدتاً وزارت کشور - که بخشی از قوه مجریه است، برگزار میشود. هیئت مدیره انتخابات در این الگو، استقلال مالی نداشته و رئیس و اعضای آن در برابر وزیر مربوطه یا کابینه دولت مسئول اند. در کشورهای دانمارک، سوئیس، آمریکا و در انگلستان این الگوی مدیریت رایج است.

اما در برخی موارد مدیریت انتخابات ساختار دوگانه ای دارد. در این الگو مدیریت انتخابات را دو هیئت جداگانه برعهده دارد، هیئتی که وظیفه سیاست گذاری و نظارت بر انتخابات را عهده دار است و از قوه مجریه یا دولت به معنی مصطلح آن مستقل است و هیئت دیگر که اجرای انتخابات را عهده دار است و بخشی از قوه مجریه و یا با هدایت این قوه تشکیل میشود. توزیع قدرت میان این دو هیئت یکسان نیست و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

آرمان برابری انسانها در حقوق طبیعی و مدنی، در تمام جوامع و دیدگاه های سیاسی - اجتماعی مطرح و به صورت یک ارزش سیاسی محوری در آمده است. نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نیز بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت بنا شده است. اگر وجه اسلامیت، این نظام را از سایر نظام های سیاسی جهان متمایز می سازد اما نقطه تلاقی با نظام های دموکراتیک، جمهوریت نظام است. جمهوریت اسلامی با تاکید بر مشارکت مردم در حوزه های مختلف، مردمی بودن، خویش را به اثبات رسانده است. **انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهارت قدرت تدبیر شده است، از این منظر، انتخابات ابزاری است که بوسیله آن می توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدی اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.**

انتخابات در کنار دیگر سازوکارهای مشارکت شهروندان به صورت انفرادی یا جمعی، گروهی و صنفی، همچنان به عنوان بارزترین و قابل اندازه گیری ترین نوع مشارکت مردم در عرصه سیاسی است. همچنین انتخابات از یک سو پایه های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است.

مدیریت و برگزاری انتخابات

مدیریت انتخابات، مجموعه تمهیدات و اقداماتی شامل برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل، هدایت و تصمیم گیری و انگیزش که توسط مدیران نهاد یا نهادهای برگزارکننده انتخابات، صورت می یپذیرد. منظور از انگیزش در اینجا، اقداماتی است که هدف آن ترغیب کارگزاران انتخابات به اجرای صحیح و منطبق با انتظارات انتخابات که با سازوکارهای مدیریتی درون سازمانی صورت

این الگو به الگوی ترکیبی است و در کشورهای فرانسه، ژاپن، اسپانیا و سنگال رایج است.

مدیریت انتخابات در ایران

تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی اجرا و نظارت و مدیریت انتخابات در نظام جمهوری اسلامی پس از قانون اساسی، در پنج سطح صورت می‌گیرد؛ در سطح سیاست‌گذاری کلان؛ توسط مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، در سطح قانون‌گذاری توسط مجلس شورای اسلامی، در سطح اجرا توسط وزارت کشور و هیئت‌های اجرایی، در سطح نظارت توسط شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت، در سطح داوری و حل و فصل اختلافات توسط دادگاه‌ها یا قوه قضائیه و یا در قالب احکام حکومتی توسط مقام رهبری. توزیع وظایف در سطوح مختلف به نظام و الگوی انتخابات در ایران وضعیتی خاص و ویژه داده است. الگوی که گرچه در اجرای انتخابات و در قالب هیئت‌های اجرایی محلی و مرکزی، افرادی به نمایندگی از جامعه و به عنوان معتمدان محلی و ملی نقش آفرینی می‌کنند، اما بنا به دلایل مختلف و ازجمله انتصاب معتمدان توسط سازوکاری که نقش اصلی آن را مقامات اجرایی در قوه مجریه عهده دارند، این الگو از انتخابات به الگوی ترکیبی متمایل به الگوی دولتی تبدیل کرده است. چند سطحی بودن وظایف در ساختار مدیریتی انتخابات در ایران به خصوص تفکیک نشدن نهاد اجرایی انتخابات از قوه مجریه موجب بروز چالش‌هایی میان نهادهای مؤثر در فرایند انتخابات بخصوص وزارت کشور به عنوان مجری و شورای نگهبان به عنوان ناظر انتخابات شده است.

اگرچه اقدام قانونگذار به متمایز ساختن دو نهاد اجرایی و نظارتی و پیش‌بینی وظایف و صلاحیت‌های آنها در امر انتخابات در قوانین عادی و در قانون اساسی درصدد برگزاری هر چه عادلانه‌تر انتخابات در ایران بوده است. از آن جاکه تمرکز قدرت اجرا و نظارت در یک نهاد خلاف عدالت حقوقی است، تفکیک ساختار و وظایف اجرا و نظارت در امر انتخابات لازمه اجرای عادلانه و پیشگیری از معضلات ناشی از تمرکز اختیارات نظارتی و اجرایی در یک نهاد بوده است. از این رو در مدیریت انتخابات ایران، وزارت کشور به عنوان نهاد اجرایی و شورای نگهبان به عنوان نهاد نظارتی با تشریک مساعی فرایند برگزاری انتخابات را بر عهده دارند. با این حال به دلیل حساسیت امر نظارت در انتخابات، صلاحیت نظارتی شورای نگهبان در قانون اساسی مذکور شده که از جایگاه استوارتری به دلیل برتری جایگاه واضح صلاحیت

آن نسبت به قوانین عادی که تعیین‌کننده صلاحیت اجرایی وزارت کشور است، برخوردار است.

با بررسی فرایند برگزاری در انواع انتخابات در ایران، علاوه بر تفکیک وظایف در نهادهای مختلف، مردم نیز در نظام اجرایی انتخابات نقش آفرین هستند. به تعبیر دیگر با وجود شورای نگهبان و وزارت کشور که هر یک نظارت و اجرای انتخابات را بر عهده دارند در زیرمجموعه‌های این دو نهاد به منظور حضور و همراهی هرچه بیشتر مردم در انتخابات ساز و کارهایی در قوانین انتخاباتی ایران تعیین گشته است. ازجمله هیئت نظارت مرکزی شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری را دو نفر از اعضای این شورا و پنج نفر دیگر از افراد مسلمان، مطلع، مورد اعتماد و دارای حسن سابقه به انتخاب شورای نگهبان تشکیل می‌دهند و یا هیئت‌های اجرایی مرکزی و هیئت‌های اجرایی شهرستان‌ها که بازوی اصلی وزارت کشور در برگزاری انتخابات در کشور می‌باشند با تمهیداتی، از افراد معتمد محلی تشکیل می‌شود. در سایر کشورها چنین وضعیتی در مدیریت اجرایی انتخابات در فرانسه دیده می‌شود. در فرانسه اجرای انتخابات عمدتاً بر عهده مقام‌ها و مسئولان برگزیده مردم همچون شهرداری‌ها است و شورای قانون اساسی فرانسه تنها بر اساس قوانین انتخاباتی به نظارت بر فرایند انتخابات در فرانسه می‌پردازد. بر همین مبنا رویه اجرایی انتخابات در پس از انقلاب اسلامی مبتنی بر نقش نظارتی نهاد شورای نگهبان با پیش‌بینی حضور مردم در فرایند اجرایی بنیان شده است. هیات اجرایی انتخابات در هر شهرستان به ریاست فرماندار و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده او و هشت نفر از معتمدین تشکیل می‌گردد (هشت نفر معتمد راسی نفر از معتمدان مورد تأیید هیات نظارت دعوت شده از جانب فرماندار با رأی مخفی انتخاب می‌کنند). معتمدین دعوت شده باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و حسن شهرت باشند و به وضع پیش‌بینی شده در ماده چهارم قانون، همچون ناظران شورای نگهبان خویشتاوندی نسبی و سببی با نامزدهای ریاست جمهوری نداشته باشند. هیات اجرایی بخش هم به همین ترتیب برگزیده می‌شوند. هیات‌های اجرایی در همین مرحله محلهای استقرار شعب ثبت نام و اخذ رأی را معین و نه روز قبل از روز اخذ رأی به انتشار آگهی انتخابات مبادرت می‌کند این آگهی، تاریخ و محل شعب و آنچه را که رای‌دهندگان باید مطلع باشند به آگاهی مردم می‌رساند. در سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای ایران در کشورهای خارج نیز هیات اجرایی با پنج نفر از ایرانیان مقیم آن کشور به انتخاب سفیر یا سرکنسول تشکیل می‌گردد.

مردم،

رکن اساسی مشروعیت نظام سیاسی

از مشارکت ۱۰۰ درصدی فروردین ۵۸
تا مشارکت ۴۰ درصدی اسفند ۹۸...

امیر محمد ربانی
دبیر دانشگاه فرهنگیان مشهد

یکی از مظاهر جمهوریت در اندیشه سیاسی امام تأکید بر لزوم مشارکت سیاسی مردم و حق نظارت آن هاست. اصل مهم مشارکت مردم از بنیادی‌ترین اصول اجتماعی مردم سالاری در تفکر امام بود حقی که مبتنی بر اعتقاد به برابری و آزادی همه اقشار جامعه است. امتداد این تفکر که برآمده از بینش عمیق بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی است در بعد عملکردی حضرت امام هم کاملاً مشهود است تأکید ایشان بر رای و نظر آحاد ملت در انتخاب نوع حکومت پس از انقلاب در روزهای ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی؛ صحه ایست بر این ادعا.

به رای گذاشتن نوع حکومت اتفاق کم نظیری در تاریخ سیاسی دنیاست که به خواست امام (ره) بنابه اهمیاتی که ایشان نسبت به جایگاه رای و نظر مردم داشتند اتفاق افتاد تا حضور خیره‌کننده ملت و همچنین رای قاطع آنها به جمهوری اسلامی رقم بخورد و برگ زرینی باشد در صفحه افتخارات مردمی‌ترین نظام سیاسی جهان.

مردم سالاری به اندازه ای در اندیشه انقلاب جایگاه والایی دارد که امام، جمهوری دموکراتیک اسلامی را که عده ای از ملی‌مذهبیون برای نظام سیاسی پس انقلاب مطرح کرده بودند را توهین به اسلام میدانند و معتقد است این واژگان چنین به مخاطب القا میکند که اسلامی دموکراتیک نیست، حال آنکه اسلام از هر دموکراسی بالاتر است (صحیفه امام، جلد ۱۱، صفحه ۹).

این رویکرد در گفتمان و منظومه فکری مقام معظم رهبری هم عمیقاً متجلی است.

این تعبیر و توصیفات صریح و بَیّن ایشان راجع به

انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران اندیشه سیاسی نوینی را در میان مکاتب متعدد سیاسی در جهان عرضه کرد ترکیب حاکمیت دینی و مردم سالاری اتفاق جدیدی در عرصه حکمرانی جهان به شمار می‌آید.

عنصر ولایت فقیه ریشه در سنت تفکر اسلامی شیعی دارد و عنصر دموکراسی به مثابه یک روش برآمده از تجارب بشری در میان ملت‌ها مسبوق به سابقه بوده است، اما امتزاج این دو و ایجاد ترکیب نوین مردم سالاری دینی ابتکار انقلاب اسلامی بود که نظیری در تاریخ نداشت و در مکاتب سیاسی جهان پذیرش حاکمیت مردمی بدین شکل یعنی جمهوریت با قید اسلامیت امری بدیع و نوظهور به شمار می‌آید.

به جرئت میتوان گفت اندک فقیهانی مانند حضرت امام (ره) رامیتوان یافت که مردم را واجد نقش‌های اساسی و تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌های عرصه امور سیاسی اجتماعی بدانند و آنها را در نظر و عمل مورد تکریم قرار داده باشند. حمایت همه جانبه امام (رضوان الله علیه) از نقش و جایگاه مردم در دفاع از جمهوریت در چارچوب شریعت را میتوان مهمترین چالش ایشان با معتقدان به مغایرت جمهوریت و اسلامیت دانست.

امام (ره) عمیقاً عقیده داشت ایجاد، برقراری و تداوم یک حکومت بدون پشتوانه مردمی امکان‌پذیر نخواهد بود در نظام اندیشه ای امام خواسته و رای مردم تا بدان جا اهمیت دارد که ایشان برای رای اکثریت در امور اجتماعی اعتبار شرعی قائل بودند چرا که ایشان معتقد است: درک اکثریت جامعه از مصلحت اجتماعی به واقع نزدیک‌تر است. (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۲۳)

مشروعیت مردمی، به نوعی حجت را بر همگان علی‌الخصوص بر نافیان و منکران اهمیت جایگاه مردم در مشروعیت و فعلیت بخشی به نظام اسلامی تمام میکند.

هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی، رأی مردم را پایه‌ی مشروعیت میدانند؛ لاقلاً پایه‌ی اعمال مشروعیت است. بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه‌ی نظام اسلامی، سرپا نمیشود و نمیماند. (۷۸/۳/۱۴)

اما به راستی چه میشود که در ابتدای انقلاب اسلامی در اولین رخداد های سرنوشت ساز و مهمی همچون انتخابات تعیین نوع نظام سیاسی و، قریب به ۱۰۰ درصد مشارکت از سوی مردم صورت میگیرد و به واسطه‌ی این پشتیبانی عظیم مردمی از یک نظام نوپای اسلامی، جهانیان حیران میشوند اما بعد از گذشت تنها چند دهه از چنین حماسه‌هایی به پایین‌ترین نرخ مشارکت انتخابات در طول انقلاب در اسفند ۹۸ میرسیم؟

اینکه مردم حاضرند برای آن شعارها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی که برآمده از فطرت پاک بشری است با تمام وجودشان ایستادگی کنند و حتی در مواقعی با خونشان نهال نوپای حکومت اسلامی را به امید استقرار اسلام عزیز در تمامی شئون سیاسی اجتماعی جامعه آبیاری کنند ولی بعد از گذشت چند دهه از انقلابی که برآمده از اراده ملت و متعلق به خود ملت است فاصله می‌گیرند نیازمند آسیب شناسی جدی است. انتخابات‌ها را میتوان مهمترین شاخص برای سنجش میزان مشروعیت مردمی دانست.

باید شکاف‌های عمیقی که میان انقلاب و آرمان‌های متعالی آن ایجاد شده باشد ترمیم شود تا بار دیگر مردم خودشان صاحب این انقلاب بدانند و موثر در سرنوشت کشور.

یقیناً سرمایه اجتماعی یک کشور مهمترین رکن اقتدار آن کشور است که اگر به هر علتی دچار تخطئه شود کشور با بحران‌های جدی مواجه خواهد شد.

هر نوع گسست اجتماعی خواه میان حاکمیت و مردم و خواه میان خود مردم نتیجه‌ای جز اضمحلال حکومت داعیه دار اسلام و به تبع تضعیف کشور در پی نخواهد داشت.



مشروطه،

دموکراسی خواهی نافرجام

نقد و بررسی پادشاهی مشروطه در ایران

امیر محمد حسینی
دبیر دانشگاه شهید بهشتی

در ایران با وقوع انقلاب مشروطیت حکومت پادشاهی مشروطه برای دوره‌ای تشکیل شد که فراز و نشیب‌های زیادی داشت. پس از انقلاب مشروطه برای نزدیک به دو دهه، ساختار مشروطه بر ایران حاکم بود. اما با قدرت یافتن رضاشاه پهلوی از قدرت و نفوذ مجلس شورای ملی کاسته شد. پس از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط نیروهای متفقین بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ قدرت مجلس افزایش یافت و دولت‌ها نیز بیشتر با مجلس هماهنگ شدند. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قدرت پادشاه تا اندازه‌ای افزایش یافت که محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۵۳ (خورشیدی) با انحلال دو حزب باقی مانده در قدرت یعنی حزب ملیون و حزب مردم ایران دستور به تشکیل یک حزب سیاسی واحد به نام حزب رستاخیز داد و دستور داد همه مقامات دولتی و نمایندگان مجلس به عضویت این حزب در آیند. این کار محمدرضا پهلوی باعث شد عملاً مجلس و دولت در این سال‌ها فاقد هرگونه قدرت فراتر از پادشاه باشد. اینکه در یک کشور پادشاهی مشروطه تنها یک حزب سیاسی وجود داشته باشد پدیده‌ای بی‌مانند بود که تنها در این سال‌ها در ایران رخ داد. به گونه‌ای که بسیاری از پژوهشگران سال‌های پس از کودتا در ایران را نوعی از پادشاه مطلقه می‌دانند که نهایتاً به انقلاب ۱۳۵۷ ایران انجامید.

پس به طور کلی اساسی‌ترین تفاوت و رکن حکومت‌های مشروطه نسبت به حکومت‌های مطلق، ایجاد پارلمان و قانون اساسی است که حکومت را ملزم می‌کند به پیروی از قانون و اصلاح ساختار دیکتاتوری و ترویج دموکراسی. این حکومت‌ها برای دفاع از حقوق ملت و جلوگیری از قدرت مطلقه ایجاد می‌شوند. اما باید دانست که این حکومت‌های مشروط همیشه از حقوق مردم و تلاش برای محدودیت‌های قدرت‌های مطلقه به قانون اساسی عمل نمی‌کنند. همانطور که واضح است، ممکن است اعضای پارلمان گاهی اوقات منفعت خود، حزب و قدرت مطلقه را بر منفعت مردم ترجیح بدهند و آنگونه که باید، جلوی این جریان‌ها را نگذارند. در کل تئوری‌های حکومت‌های مشروط شاید به نظر زیبا و منطقی و لازم الاجرا باشند، اما در واقعیت ممکن است خلاف حق و حقوق مردم باشد.

بنابر آنچه می‌توان از واژه پادشاهی مشروطه یا پادشاهی مشروط حدس زد این برداشت به ذهن خواننده می‌رسد که تعریف همان حکومت شاهنشاهی است اما با یک سری شروط. این تعریف در نگاه اول صحیح است اما اگر بخواهیم جدی‌تر به این مسئله بپردازیم و آن را واکاوی کنیم چه؟

پادشاهی مشروط در تعریف یعنی حکومت پادشاهی‌ای که در آن برخلاف پادشاه مطلق (حکومتی که پادشاه تا زمان مرگ حاکم است و جانشینش را خودش انتخاب می‌کند و هیچ حقی برای اشخاص دیگر و مردم قائل نیست) قدرت پادشاه مطلق نیست و قانون اساسی دارد و نهاد‌های انتخابی دیگر مانند مجلس در آن دایر است.

به طور کلی این نوع حکومت‌های مشروط در مقابل حکومت‌های مطلق نسبت به مبارزه با فساد، ثبات، امنیت و اقتصاد عملکرد بهتری دارند و بر اساس دموکراسی عمل می‌کنند. پس در یک نظام مشروط حکومت، شاه دیگر قدرت مطلق حکومت نیست بلکه اختیارات او محدود می‌شود به تصمیمات پارلمان و قانون اساسی کشور. برای مثال در یک حکومت شاهنشاهی مطلق، شاه هر کس را که بخواهد به عنوان نخست‌وزیر انتخاب می‌کند که مسئول دولت است و خود به طور مطلق مسئول قدرت سیاسی کشور و همچنین نهاد‌هایی مانند ارتش و دربار است.

اما در یک نظام مشروطه اختیارات شاه به این وسعت نیست، بلکه انتخاب نخست‌وزیر و یا رای اعتماد دادن به او بر عهده پارلمان است و همچنین قدرت سیاسی او محدود به قانون اساسی است.

حکومت‌های مشروط معمولاً پس از ایجاد انقلاب‌های مشروطه تشکیل می‌شوند.

جنبش مشروطه خواهی که مجموعه کوشش‌ها و رویدادهایی در نظر و عمل است که برای مشروط کردن قدرت حاکمیت، تأسیس آزادی و حکومت قانون آغاز شد و برای تثبیت این آرمان‌ها و رفع مشکلات آن‌ها به مدت چند سال در ایران ادامه پیدا کرد.

جمهوریت،

ارمغان انقلاب اسلامی مردم ایران

تجلی دموکراسی حقیقی در انقلاب اسلامی

علی مهدوی

دبیر دانشگاه فرهنگیان تبریز

شاه جایگزین قدرت ناشی از اراده ملی گردید. در چنین شرایطی قدرت‌های خارجی چون آمریکا و انگلیس که ایران را مال خودشان می‌دانستند، و قدرت‌های داخلی چون فضل‌الله زاهدی و اسدالله علم در کنار شاه انتخابات را به جریانی برای نمایش قدرت خود تبدیل کرده بودند. برای مثال سفیر وقت آمریکا در ایران در گزارشی به وزارت امور خارجه آمریکا پیرامون انتخابات مجلس هجدهم به تعیین نمایندگان مجلس از بالا اشاره می‌کند. اهرم تجلی اراده‌ی ملی، انتخابات، تحت سیطره حاکمیت و بالاحص شخص شاه قرار گرفت انتخابات آزاد در چنین شرایطی سخنی گزاف و به دور از واقعیت بود. به خصوص دوره‌های بعدی انتخابات که با شدت بیشتری در فرایند نمایشی و صوری بودن پیش رفت.

این دیکتاتوری شاه مانور قدرتی برای او و درباریان و نزدیکان شاه بود به نحوی که نمایندگان برای کسب کرسی نمایندگی باید هر چه در توان داشتند به شاه نزدیک‌تر و متملق‌تر می‌شدند.

این فرایندها باعث می‌شد نقش کنشگران نزدیک به شاه در این معادله منطقی افزایش یابد به تبع آن فساد در انتخابات یا به‌تر بگویم دروغ در انتخابات و جعل آرا به اوج خود رسید مهندس بازرگان در این مورد می‌نویسد از معجزه صندوق‌ها این بود که محمد در آنها انداخته می‌شد و فضل‌الله بیرون می‌آمد.

با وجود تمامی این اوضاع و احوالات ایران در دوران سلطنت محمد رضا پهلوی وی تلاش زیادی داشت که کاور زیبایی روی مسائل موجود در کشور بکشد.

بعد از انقلاب مشروطه بود که سلطنت مطلق تبدیل به سلطنت مشروطه شد، ایران خون دلها خورد برای تاسیس مجلس، اما تاسیس شد و چند سال اول دوران با شکوه خود را گذراند اما سال ۱۳۰۴...

دوران سلطنت پهلوی‌ها با استبداد رضاخان آغاز شد فرمانده ۴۸ ساله قزاق‌ها که از چند سال پیش برای خود اسم و رسمی پیدا کرده بود، اما که بود که رضا ماکسیم را نشناسد؟!

فردی قلدر، دیکتاتور، در هر امر و کاری دارای خوی نظامی‌گری و...

به جهت چنین شرایطی در آن دوران وجود نهاد انتخابی چون مجلس سخن بیهوده‌ای بود، دخالت علنی و آشکار دولت و شاه در انتخابات مجلس موجب شد تا مجلس که تنها نهاد انتخابی و نمود عینی مشارکت مردم بود به نمادی از استبداد رضاشاه مبدل شود.

اوج خفقان سیاسی در دوران رضاشاه را در ترور اصلی‌ترین مخالف علنی خود یعنی آیت‌الله مدرس - هر چند نافرجام بود - و علاوه بر انتخابات عدم وجود حرف و کلامی بر خلاف حرف شاه بود؛ و این ها فضای جامعه را تبدیل به یک جو بسته و خفه کرده بود.

در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی به خصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ حوزه اقتدار و قدرت سیاسی جامعه و مردم را در هم پیچید؛ وقایع موجود موقعیت نهاد سلطنت را تقویت کرد در نتیجه قدرت ناشی از اراده شخص

و جشن‌های دو هزار و پانصد ساله و... زد. تبعید امام خمینی (ره) و مخالفان حکومت و تاسیس ساواک و سرکوب شدید نیروهای سیاسی معترض نهایت دست و پا زدن پهلوی در باتلاق نابودی بود. های و هوی پهلوی شبیه طبل تو خالی بود که فقط صدا داشت و بس

هنوزم که هنوز است اگر پای درد و دل پیرمرد هایی که اصلاً اهل سیاست نیستند بنشینی از این می‌گویند که زن بی حجاب شاه ایران در مقابل رئیس‌جمهور آمریکا نشست و مست کرد و... و با گفتن این جریان از ته دل می‌کشند.

پهلوی اصلاً به غیرت و شرافت ایرانی توجه نکرد و تمام توجه خود را برای بندگی خالصانه خود در برابر خدای خود، آمریکا، جلب کرده بود.

حال باید ایران و ایرانی بدانند که اگر غرب پرستی جواب میداد؛
محمدرضا می‌ماند....

هر چند محمدرضا پهلوی در ۱۴ سال اول حکومتش نتوانسته بود کشور را آنطور که برابر فکر مرادش بود در دست بگیرد اما بعد از آن توانست کم کم پا در جای پدر گذاشته و دیکتاتوری پیشه کند. اما محمدرضا پهلوی به وصیت پدر گوش نکرد و دست رد به سینه انگلیسی‌ها زد و به آمریکایی‌ها آری گفت و این آری گفتن افزایش درآمد نفت و به تبع آن افزایش خرید تجهیزات ارتشی از آمریکا - که خود علتی برای غرور کاذب بود - وابستگی همه جانبه آمریکا و... را در پی داشت.

اما در پی این معادلات و معاملات شکیل و رنگارنگ عامه مردم با گرسنگی و فقر مفرط دست و پنجه نرم می‌کردند؛ محمدرضا پهلوی و حکومت باید به هر طریقی که شده سر مردم شیر بمانند تا صدای قمارها و ولنگاری اشرف پهلوی در نیاید. حکومت برای اینکه نوعی دموکراسی یا پیشرفت سیاسی جعلی ارائه بدهند و یا برای خود شیرینی پیش غربی‌ها اقداماتی انجام دهد دست به انقلاب سفید، تغییر تاریخ به تاریخ شاهنشاهی،

میزبان رأی ملت است

«حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم صلی‌ا... علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید».



صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۳۳۴



انتخابات در ایران

چه نسبتی با تحقق دموکراسی دارد؟

دموکراسی و دموکراسی خواهی در حاکمیت دینی...

خانم زمانی

دبیر فرهنگی دانشگاه حکیم سبزواری سبزوار



پیدا کنیم به شرق و غرب اثبات می‌کنیم که دموکراسی که ما داریم، این دموکراسی است. نه آن که شما دارید و طرفدار سرمایه‌داران هستید و نه اینکه آنها دارند و طرفدار ابرقدرتها هستند و همه مردم را در اختناق عظیم گذاشتند.»

در اندیشه سیاسی اسلام درست است که حاکمیت مطلق از آن خداست لکن انسان بر سرنوشت خود و جامعه اثرگذار است و کسی نمی‌تواند از او در این رابطه سلب حق کند یا به نحوی بالاجبار او را در خدمت گروه خاصی قرار دهد. دو بعدی بودن حاکمیت و تفکیک ناپذیری بُعد الهی از بُعد مردمی، عملاً مصداق بارز و کاملی از پیوند انسان و جامعه با خداست؛ جامعه‌ای که هم خواست خدا در آن حضور دارد و هم اراده مردم. حکومت ۴۱ ساله ایران از همان ابتدا بر اساس اصول و ضوابط اسلام پایه‌گذاری شد و در تمام حوزه‌های مدنی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، سیاسی... سعی بر عملکرد اسلامی داشته و دارد. حال اینکه در برخی حوزه‌ها، فاصله‌ای میان حقیقت و واقعیت افتاده، بحثی دیگر است.

اما حقوق جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اینکه از فروغ تابناک اسلام مایه می‌گیرد، پذیرای فلسفه دموکراسی نیز هست. در یک جامعه دموکراتیک، با انتخابات، اشخاصی که حق رأی دارند می‌توانند به سیاست‌مداران مورد اعتماد خود رأی دهند تا آنان در تصمیم‌گیری‌های ملی یا منطقه‌ای، نمایندگان موکلان خود باشند. مسئله‌ای که در نظام جمهوری اسلامی، کاملاً مورد پذیرش بوده و مطابق اصل ۶ قانون اساسی، امور کشور به اتکای آراء عمومی و از راه انتخابات اداره می‌شود.

انتخابات، عنصر جدایی‌ناپذیر جمهوریت یک حکومت است. در واقع، برگزاری انتخابات، مهمترین وسیله برای

میزان، رأی ملت است. جمله‌ای از حضرت امام خمینی (ره) که معمولاً نزدیک انتخابات و حتی پای صندوق‌های رأی، زیاد به چشممان خورده است. اما این جمله چه مفهومی دارد؟ برگزاری انتخابات و معیار قرار دادن رأی مردم تا چه حد دموکراسی را در جامعه محقق می‌کند؟

در ابتدا نگاهی به مفهوم دموکراسی بیندازیم. مفهوم دموکراسی یکی از مباحثی است که پس از پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی، در مقابل حاکمیت دینی مطرح شد و این اندیشه در تفکر دینی، بحث‌های زیادی را در میان محققان و متفکران برانگیخت.

بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، بر این باور بودند که دموکراسی در برابر استبداد، دیکتاتوری و خود رأی بودن است و منافاتی با حکومت اسلامی ندارد. علاوه بر آن، در دموکراسی مطلوب حضرت امام (ره) غیر از حقوق فردی، بر حقوق اجتماعی نیز تأکید شد. اما این نکته حائز اهمیت است که دموکراسی مطلوب امام کاملاً متفاوت با دموکراسی غربی است. ایشان معتقد بودند: «دموکراسی، غربی‌اش فاسد است و شرقی‌اش هم فاسد است. دموکراسی اسلامی صحیح است و ما بعدها اگر توفیق

مردم جهت موثر بودن در نحوه اداره کشور است. لذا برای این که دموکراسی در کشور کارآیی بالاتری داشته باشد، حضور و شرکت مردم در انتخابات بسیار مهم است. اغراق نیست اگر بگوییم، شرکت هرچه بیشتر مردم در انتخابات عمومی باعث تقویت دموکراسی در جامعه می شود. درست است که مردم عادی، شاید بینش لازم را در مسائل سیاسی و حقوقی نداشته باشند، لیکن هرملتی اجمالاً میداند که چه سیاستگذاری ها و راهبردهایی، مورد نیاز و ضروری برای مملکت است و برهمین اساس، رأی خود را به افراد تعیین میکند؛ که البته این مسئله، نافی ضرورت روشنگری و راهنمایی مردم برای انتخاب اصلح نیست.

در پایان، این نکته نیز بر همگان روشن است که دشمنان همیشه در تلاش بوده و هستند تا آنچه مطابق با معیارهای خودشان است را به عنوان مبانی دموکراسی معرفی کنند و هر آنچه در مغایرت با معیارهای آنان می باشد، به عنوان «نافی دموکراسی» قلمداد کنند.

در طول تاریخ، بسیار بوده اند افراد و گروه هایی که از طرق مختلف، سعی در زیر سوال بردن جمهوریت نظام اسلامی ایران داشته اند و همواره با فرافکنی در موضوع انتخابات ایران، مردم سالاری دینی و دموکراسی اسلامی را که می تواند الگوی جهانی قرار گیرد، منکر میشوند و با دست و پا زدن در این باتلاق خودساخته، قصد کم رنگ نشان دادن حضور مردم ایران در انتخابات را دارند اما رأی ملت در تمام سالهای گذشته و آینده، مشت محکمی بر دهان یاوه گویان بوده و خواهد بود.



نسبت مردم با انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

آیا واقعا مردم در تصمیم‌گیری‌ها، موثرند؟ اگر آری: چهار چوب این اثر گذاری تا کجاست؟

محمد علی ریاحی
دبیر دانشگاه کرمان

اما در مردم‌سالاری دینی، چارچوب دین خدا حاکم است و مردم حاکمیت این چارچوب را پذیرفته‌اند.

در جامعه‌ای که مردم آن جامعه اعتقاد به خدا دارند، حکومت آن جامعه باید حکومت مکتبی باشد؛ یعنی حکومت اسلام و شریعت اسلامی و احکام و مقررات اسلامی باید بر زندگی مردم حکومت کند.

در جمهوری اسلامی ایران مردم به واسطه مردم‌سالاری دینی می‌توانند در تمام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور خودشان موثر باشند؛ آن‌ها به واسطه رای دادن می‌توانند سرنوشت کشور خود را بسازند چرا که آنها در انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، شورای اسلامی و نمایندگان خبرگان را انتخاب کنند. این مردم‌سالاری تا آن‌جا نمود پیدا می‌کند، که به طور متوسط، در طول این تقریباً چهل سال پس از انقلاب، هر سال یک انتخابات در کشور برگزار شده است. در یک چنین نظامی و بایان میزان از دموکراسی، رای مردم بسیار محترم و حتی مقدس شمرده می‌شود.

چنان که وقتی در سال ۱۳۸۸، عده‌ای فتنه‌گر و معلوم الحال به علت شکست در انتخابات، بر این عقیده بودند که در انتخابات ریاست جمهوری تقلب شده است و خواستار ابطال رای‌های مردم شده بودند رهبری شخصا وارد میدان شده و مانع از ابطال آرا مردمی شدند چرا که حضرت آقا به خوبی به اهمیت آرا مردمی واقف بودند و با سیستم نظارت بر انتخابات، به خوبی آشنایی داشتند.

مطالعه تاریخ به ما نشان می‌دهد که یک ملت تنها هنگامی موفقند که آحاد مردم آن جامعه به سطح بالایی از شعور و عقلانیت سیاسی رسیده باشند و اگر نه با انتخاب‌های غلط اندر غلط خود، عایدی جز پسرفت روز افزون برای سرزمین خود ندارند. وظیفه خواص هم این است که با روشنگری و بصیرت افزایی به افزایش آگاهی و عقلانیت مردم کمک نموده و نقش خود را به عنوان نخبگان جامعه، به خوبی ایفا نمایند.

هر جامعه‌ای با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و با در نظر گرفتن دوره‌های مختلف تاریخی و اعتقادی به یک شیوه حکومتی تمایل یافته است آن را به عنوان طرح حاکمیتی خود می‌پذیرد. جامعه ایران نیز از این قاعده کلی مستثنا نبوده است. جمهوری به معنای قرار داشتن حق حاکمیت در دست خود مردم است. کلمه جمهوری شکل حکومت را مشخص می‌کند و کلمه اسلامی محتوای حکومت را تعیین می‌کند. حکومت جمهوری یعنی حکومتی که حق انتخاب با همه مردم است؛ صرف نظر از اینکه مرد یا زن، سفید یا سیاه دارای این عقیده یا آن عقیده باشند فقط شرط بلوغ سنی و رشد عقلی معتبر است نه چیز دیگر کلمه اسلامی محتوای حکومت را بیان می‌کند یعنی حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره می‌شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند. چون اسلامی به عنوان یک دین در عین حال یک مکتب و یک ایدئولوژی است.

در کشور ما، با توجه به سابقه طولانی حکومت‌های مستبد، به این دلیل که مردم از حکام دیکتاتور و خودکامه خسته شده بودند، شاهد بی‌عدالتی‌های زیادی بودند و پادشاهان، حکومت را برای خود یک امر موروثی میدانستند و برای نظر مردم هیچ ارزشی قائل نبودند، به دنبال یک آرمان بودند که بتوانند یک حکومت تشکیل دهند که خودشان در آن نقش آفرینی کنند.

بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور، اولین مشارکت ملی را شاهد بودیم که واقعه‌ای کم‌نظیر و بی‌سابقه در تاریخ انقلاب‌های مردمی در دنیا بود؛ اینکه یک انقلاب، قوانین و اهداف خود را به رای می‌گذاشت و از مردم در برابر آنها نظر خواهی می‌کرد. این امر مشارکت گسترده مردم را سبب شد تا آن‌جا که بیش از ۹۸/۲ درصد آرا در این انتخابات مشارکت نمودند.

هر حکومتی چارچوبی دارد. دموکراسی غربی در چارچوب خواست آزادی مطلق انسان‌ها و نظریت اکثریت بنا نهاده شده که البته آن هم توسط سرمایه‌داران جهت داده می‌شود

مردمان امامزاده و خادمان مسئول

روایتی از باید ها و نباید های مسئولان، توقعات مردمی و آن چه اکنون حس می شود...

خانم تقوایی

دبیر خواهران دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

نمایندگان مجلس طبق اصل ۲۲ همواره با بررسی و رسیدگی درجهت بهبود شرایط زندگی مردم از سوی رئیس‌جمهور میدان عمل را خالی نگذارند و مسائل مختلفی که ارتباط تنگاتنگی با مردم دارند بررسی کنند زیرا همانطور که در ابتدا نیز اشاره شد نمایندگان مجلس به واسطه‌ی نزدیکی که با مردم دارند؛ در صورتی که احترام بگذارند و به آنها توجه کنند موجب تحقق اهداف انقلاب میشوند تا حرم امن جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه به خطر نیوفتد و با نادیده گرفتن مردم و پیشبرد منافع شخصی روزه‌ای برای دخالت یا منحرف کردن قطار در حال حرکت جمهوری اسلامی ایران از مسیر صحیح خود توسط دشمنان و کدخدایان جهان ایجاد نکنند تا آن‌ها برای رسیدن به اهداف غیرانسانی و منفعت طلبانه‌ی استقلال کشور را به خطر نیندازند و خون شهدا را پایمال نکنند. در این برهه که مردم غرق در مشکلات معیشتی خود هستند و با نتایج حاصله از بی‌تدبیری‌ها و اعمال غربگرایانه برخی مسئولین، رفع نیازهای اساسی هم حتی برای بعضاً آرزو شده است. نمایندگان مجلس در تمامی دوره‌ها با نظارت صحیح و همه‌جانبه با انجام وظایف و در نظر گرفتن منافع مردم به جای منافع شخصی، حضور در مسائل مهم در زمان مناسب و گرفتن تصمیماتی در جهت قوانین و اهداف انقلاب اسلامی میتوانند درجهت اقدام به کلام امام خمینی (ره) گام بردارند.

ضمناً باید این مهم را در نظر گرفت که امسال که منتهی به انتخابات ریاست جمهوری است، نیاز حیاتی کشور آن است که افراد درجهت معرفی کاندیدها و توضیح سوابق آن‌ها تلاش کنند و در این زمان است که مجلسی که اعتماد مردم را از دست نداده باشد می‌تواند این روشنگری را با تاثیرگذاری موثرتر برای مردم انجام دهند.

احترام به امامزاده با متولی آن است، اگر با توجه به بعضی شعارهای انتخاباتی امامزاده را مردم و متولیان را مسئولین در جایگاه‌های مختلف در نظر بگیریم، چه بسا آن مسئول نماینده‌ای برگزیده از سمت مردم شهر خودش برای کمک به بهبود شرایط زندگی همشهریان و هموطنان خود هم باشد.

ما جوانان دهه‌های هفتاد و هشتاد، چند حضور موثر از دوره‌های مختلف مجلس درجهت بهبود مصائب و یا تصمیمات اساسی داشته را به یاد می‌آوریم؟!

ضمن آن که توجه به سخنان امام خمینی (ره) که «مجلس باید در راس امور باشد» و تأکید رهبر کبیر انقلاب مبنی بر تأکید قانونگذاری درست و بسنده و قابل اجرا که از شرایط آن ارتقاء شایستگی نمایندگان مجلس، کوتاهی نمایندگان مردم توجه را جلب می‌کند. این موضوع در حال است که سالهاست در زمان انتخابات وعده‌هایی با رنگ‌های زیبا و جذاب دیوارها را منقش و مردم را دلخوش به بهبودی اوضاع می‌کند، اما بعد از آنکه افراد منتخب مردم به مجلس راه پیدا می‌کنند گویی وعده‌ها و آگاهی نماینده‌ی عزیز از شرایط مردم با پاک شدن شهر، پاک می‌شود و دیگر اهمیتی ندارند حتی جلسات مجلس را شرکت نمی‌کند اگر هم شرکت کند امتیاز خواب در جلسات سرنوشت‌ساز برای مردم را از دست نمی‌دهد و مردم، که با مشکلات و حسرت تحقق وعده‌ها را به دوش می‌کشند و به خاطر خیانتی که به اعتمادشان شده است از شوق شرکت در انتخابات بعدی خود خراج میکنند. مجلس باید راس امور باشد در حالی اجرا می‌شود که از شنیدن حضور مجلس در مسئله‌ای تعجبی مشاهده می‌شود که کاری خارج از چهارچوب انجام شده است.

شورای نگهبان،

نگهبان قانون و شرع

نقد و بررسی تاریخی عملکرد شورای نگهبان از ابتدا تا کنون.

امیر محمد کولانی
دبیر دانشگاه رازی کرمانشاه



منصوب می‌کنند و شش حقوقدان را مجلس شورای اسلامی از میان کاندیداهای مطرح شده از سوی رئیس قوه قضاییه انتخاب میکند. اولین فقهای انتخاب شده در سال ۵۸ عبارتند از: حضرات آیات ربانی شیرازی، صافی، مهدوی کنی، رضوانی، صانعی و آیت الله احمد جنتی. این فقیهان همگی از فقهای طراز اول حوزه بودند. مرحوم آیت الله مهدوی کنی درباره نقش شورای نگهبان می‌گویند: «شورای نگهبان، نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی است، به این معنا که لوایح تصویب شده در مجلس شورا باید با نظارت این شورا و با اصول قانون اساسی تطبیق شود تا مخالفی با قانون اساسی و مقررات اسلامی نداشته باشد». در تیرماه ۱۳۵۹ از سوی شورای عالی قضایی ۱۲ حقوقدان برای انتخاب شش حقوقدان شورای نگهبان به مجلس معرفی شدند، شورای نگهبان از سال ۱۳۶۰ رسماً نظارت بر انتخابات را نیز بر عهده گرفت اولین انتخاباتی که با نظارت شورای نگهبان برگزار شد دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان‌دوره‌ای اولین دوره مجلس شورای اسلامی بود.

گفتنی است در طول این سالها یعنی از سال ۵۸ تا سال ۹۹ قوانین بسیاری در شورای نگهبان بررسی شده است؛ بسیاری از این قوانین تایید و برخی نیز رد شده و برای اصلاح

امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب تاکید ویژه‌ای بر شکل‌گیری هرچه سریع‌تر ساختار سیاسی و ریل‌گذاری برای نهادهای قانونی نهال نوپای جمهوری اسلامی داشتند. به همین دلیل با برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در مرداد ماه سال ۵۸ این روند آغاز شد و در تاریخ دوازدهم آذرماه ۱۳۵۸ نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی در یک referendum به تصویب ملت رسید. یکی از نوآوری‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیش‌بینی نهادی نظارتی به نام شورای نگهبان بود؛ مرحوم حسن حبیبی مامور تهیه پیش‌نویس قانون اساسی شد و با تلاش‌های او پیش‌نویس قانون اساسی تهیه و تنظیم و بعد از این پیش‌نویس تکمیل گردید و در نهایت به عنوان قانون اساسی به رای ملت گذاشته شد.

ایران از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی همواره از نبود نهادی نظارتی که هم نگهبان قانون اساسی باشد و هم پاسدار شرع مقدس رنج می‌برد. در قانون اساسی اساسی مشروطه هم ما شاهد نهادی به نام «هیئت طراز اول» هستیم که تقریباً همان وظایف شورای نگهبان را قرار بود ایفا کند، اما این هیئت در حد طرح باقی ماند و هیچگاه به منصفه ظهور نرسید. اما بعدها پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با درایت حضرت امام شورای نگهبان که در واقع نمونه تکامل یافته همان هیئت طراز اول بود تشکیل شد و به موجب اصل ۹۱ قانون اساسی در ۳۰ بهمن ۱۳۵۸ امام خمینی طی حکمی فقهای شورای نگهبان را برگزیدند.

طبق قانون اساسی، شورای نگهبان تشکیل شده از ۶ فقیه و ۶ حقوق دان می‌باشد. این ۶ فقها را ولی فقیه

به مجلس بازگشتند. قوانینی که به مجلس بازگردانده می‌شوند، پس از اصلاح ایرادات مد نظر شورای نگهبان دوباره به شورای ارجاع داده می‌شوند و اگر تصویب شوند برای ابلاغ به مجلس می‌رود و اگر باز هم رد شوند این بار برای بررسی این قانون مجمع تشخیص مصلحت نظام وارد عمل می‌شود. شورای نگهبان تاکنون بر ۱۲ انتخابات ریاست جمهوری و ۱۱ انتخابات مجلس شورای اسلامی و ۵ انتخابات مجلس خبرگان رهبری نظارت کرده است هرچند که عملکرد ۴۱ ساله شورای نگهبان خالی از اشکال نبوده اما می‌توان نمره قابل قبولی به عملکرد ۴۱ ساله این نهاد در بررسی صدها قوانین و کاندیداهای انتخابات‌های مختلف داد.

شورای نگهبان قانون اساسی در برهه‌های حساس نیز ایفای نقش نموده است؛ مانند، بررسی مصوبه عزل بنی صدر، قائله نمایندگان رد صلاحیت شده مجلس ششم و همچنین فتنه ۸۸.

این شورادر تاریخ حیات خود چهار دبیر به خود دیده است؛ مرحوم آیت الله محمد رضا مهدوی کنی از تیر تا آبان ۱۳۵۹ به عنوان دبیر موقت، آیت الله صافی گلپایگانی از آذر ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۷، مرحوم محمدی گیلانی از تیر ۱۳۶۷ تا مهر ۱۳۷۱ و آیت الله جنتی از تیر ۱۳۷۱ تاکنون دبیر شورای نگهبان بوده اند. گفتنی است شورای نگهبان از سال ۱۳۸۰ نیز به صورت رسمی دارای سخنگو گردید. آقای ابراهیم عزیزی تا سال ۱۳۸۳ این سمت را بر عهده داشت. آقایان الهام تا ۱۳۸۴ کدخدایی تا ۱۳۹۲ ابراهیمیان تا ۱۳۹۴ و از سال ۹۴ تاکنون نیز مجدداً آقای کدخدایی سخنگوی این نهاد بودند.

در پایان می‌توان اظهار داشت، هرچند شورای نگهبان عملکرد قابل قبولی داشته است اما کاستی‌ها و نارسایی‌هایی که بعضاً در عملکرد این نهاد دیده می‌شوند قابل حل بوده و به عنوان یک فعال دانشجویی می‌توانم بگویم ارتباط هرچه بیشتر شورابا بدنه جامعه علی‌الخصوص نخبگان دانشگاهی و حوزوی می‌تواند از این نارسایی‌ها جلوگیری کند؛ به عنوان مثال، بد نیست شورای نگهبان بعضی جلسات خود را با دعوت از اعضای ارشد اتحادیه‌های دانشجویی برگزار کرده و آنها را از کیفیت عملکرد خود مطلع سازند و به ابهامات، سوالات و پیشنهادات این افراد گوش فرادهند.



نگاهی به نقش شورای نگهبان در انتخابات

نامزدهای انتخاباتی بر اساس چه معیاری سنجیده می‌شوند؟ میزان ردیاتیاید صلاحیت‌کاندیداها چه می‌باشد؟

خانم حاج محمدی

دبیر واحد خواهران دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

قابل توجهی تضعیف شده و شورای نگهبان بسیاری از آنچه که باید مردم بررسی و نظردهی کنند را به عهده گرفته است که باعث بدبینی در نزد مردم و آسیب زابه مشارکت آنان در امر انتخابات که از مهمترین راهبردهای نظام می باشد، است.

گرچه تجربه های ناموفقی همچون دولت آقای روحانی حاصل تایید شورای نگهبان بوده است و این خود مزید بر علت درست نبودن معیارهای مد نظر شورای نگهبان می باشد اما از جمله مواردی که به نظر باید مورد توجه شورای نگهبان قرار بگیرد بررسی کامل خط فکری نامزدهای انتخاباتی است چراکه بسیاری از مشکلات ایجاد شده در کشور از جمله مبحث برجام و عواقب جبران ناپذیرش در دولت آقای روحانی ناشی از عدم بررسی سابقه فعالیت ایشان می باشد.

چراکه اگر این بررسی و جریان شناسی فکری صورت می گرفت بسیاری از اتفاقات ناخوشایند که در طی سال های ۸۲ الی ۸۴ که مسئولیت پرونده های هسته ای بر عهده ایشان بود و تمام امتیازاتی که در همان برهه زمانی به کشورهای اروپایی تعلق گرفت مورد توجه واقع می شد داستان توافقات هسته ای و برجام دوباره در هنگام تصدی ریاست قوه مجریه آقای روحانی با تأثیرگذاری بیشتری بر اوضاع کشور رخ نمیداد.

لذا اهمیت بررسی عقبه فکری نامزدهای انتخاباتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا که تصمیمات آنان در آینده بسته به همین امر است و چه بسا باید این نکته را مد نظر داشت که رئیس جمهور یک کشور انقلابی باید اندیشه ای در مسیر حفظ ارزش ها و آرمان های انقلاب داشته باشد و علاوه بر آن، کارنامه اش شامل تلاش های وی در راستای تحقق این موارد و پیروی از حضرت آقا در جهت بهبود وضعیت کشور و حل مشکلات و معضلات دولت باشد، تنها در این صورت است که دولت انقلابی به معنای درست خود می تواند باعث رفع موانع رشد کشور شود.

انتخابات در کشوری که نظام مردم سالار در آن حاکم است کارکردهای ممتازی دارد که اهمیت و ضرورت توجه به آن را بیشتر می کند، زیرا که پایه های نظام جمهوری اسلامی وابسته به مردم است. مردمی که با رای خود مشخص می کنند که چه کسی آینده ۴ سال یا شاید بهتر باشد بگوییم ۸ سال کشور را در دست دارد و با برنامه ریزی، سیاستگذاری و اقدامات خویش در آینده آنان به طور قابل توجهی اثرگذار خواهد بود؛ در اینجا اهمیت نظارت بر شرایط و صلاحیت کاندیدای ریاست جمهوری بیشتر و نقش شورای نگهبان پررنگ تر می شود.

نامزدهای انتخاباتی برای تایید صلاحیت می بایست واجد شرایط به خصوصی باشند که از جمله آنها می توان به ایرانی الاصل و تابع ایران، مدیر و مدبر بودن، حسن سابقه، امانت و تقوا... اشاره کرد البته به تازگی طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس به تصویب رسید که خالی از اشکال هم نمی باشد؛ اما سوالی که مطرح می شود این است که چگونه و بر مبنای چه معیاری هریک از این ویژگی ها توسط شورای نگهبان سنجیده می شود و به چه صورت گزاره هایی که واجد ویژگی های یک استدلال و نگرش عمومی و همه پذیر است را به مردم بیان می کند؟

شورای نگهبان چطور متوجه اینکه نامزد مورد نظر در مواقع حساس می تواند ضرورت ها و انحرافات را بشناسد، خواهد شد؟ این امر درست است که امکان آزمون و مصاحبه از نامزد مورد نظر و مشاوران آن وجود دارد، ولی این آزمون به چه شکل خواهد بود؟ و چه معیارهایی را مد نظر دارد؟ در صورتی که امر انتخاب بر عهده ی مردم است لکن از این موارد آگاهی ندارند و برنامه های نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بدون اطلاع مردم صرفاً به شورای نگهبان ارائه می شود که چنین پروسه ای امکان تجربه های مردم سالارانه مردم و تقویت آگاهی و بینش سیاسی آنان را کاهش خواهد داد و این ذهنیت را ایجاد می کند که عملاً انتخابات تا حد

اصلاح قانون انتخابات،

ضرورت فراموش شده دموکراسی در کشور

طرح جدید مجلس چه چیزی را دنبال می‌کند؟
تغییرات بنیادین یا باز تعریف کلیشه‌ها؟

خانم خسروی

قائم مقام واحد خواهران دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

آن را تصویب کردند، اصلاحاتی در قانون پیشین انجام و تکمله‌هایی به آن افزوده شده است که در برخی موارد اشکالاتی به آن وارده شده و بررسی موادی از طرح حاکی از آن است دوری از ابهام و اجمال که از ویژگی‌ها و مولفه‌های اصلی قانون و قانون نویسی است رعایت نشده.

در کنار موارد ناپخته و غیرکارشناسی در این طرح بر ضرورت توجه نامزدهای انتخابات به ظرفیت‌های داخلی، دوری از اشرافی‌گری تأکید شده و «رجل سیاسی» بازتعریف شده است.

اگر بخواهیم کمی دقیق بشویم باید ببینیم چقدر ساده زیستی با زندگی و باور رجل سیاسی مان آمیخته شده است که انتظار اجتناب از اشرافی‌گری را نداشته باشیم؟ شاید اصلاً بهتر است بگوئیم این واژه، واژه‌ای متناجس است با مسئولانمان یا صرفاً مانند واژه «انقلابی» به عنصری تبدیل گشته که تنها آن را یدک میکشند؟

به خود واژه رجل برمیگردیم در واقع معنی رجل سیاسی در طرح جدید نسبت به قانون قبلی گستره وسیع‌تری دارد و به نظر میرسد با تکیه بر اصل ۱۱۵ قانون اساسی و با شفافیت در برخی مفاهیم، طیف گسترده‌ای از افراد از اولین فیلتر انتخابات که همان ثبت نام است عبور نمی‌کنند و دایره حضور در این رقابت مشخص‌تر میشود. ابهام و اشکال دیگر این اصلاح در ابهام در معنای خود کلمه رجل «به معنی مرد» است که مشخص نشده بانوان نیز امکان حضور در این رقابت انتخاباتی را دارند یا خیر با این حال گرچه در این طرح سخنی در این رابطه به میان نیامده اما به گفته سخنگوی شورای نگهبان مبنی بر اینکه مشکلی در ثبت نام نیست بلکه در احراز

با نزدیک شدن به ماه‌های آخر سال و انتخابات ۱۴۰۰، برگزاری انتخابات پرشور، فراگیر و رقابتی نیاز جدی کشور برای عبور از مشکلات داخلی و فشارهای سیاسی و اقتصادی خارجی با طرح برنامه‌های مدون استراتژیک بلند مدت و کوتاه مدت است.

لزوم تغییرات در جزئیات قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس ششم به عنوان دغدغه بسیاری از نمایندگان مطرح بود و در هفته‌های آغازین مجلس هفتم نیز توسط تعدادی از نمایندگان مجلس پیگیری شد اما به دلیل مطرح شدن قانون جامع انتخابات مسکوت ماند، حساسیت و نواقص موجود در قوانین اولیه مصوب ۵/۴/۱۳۶۴ یعنی ۳۵ سال پیش موجب شد نیاز به اصلاح و بازنگری در این طرح برای اولین بار بیشتر احساس شود لکن برای رفع این نواقص نیاز است اصلاحات به دقت بررسی و قوانینی تنظیم شوند که خلاهای قبل را پر کنند و مهم‌تر از آن قابلیت اجرایی داشته باشد. اما نکته‌ای که باید به آن اشاره داشت این است که تغییرات حاصله منافاتی با قانون اساسی ندارد چرا که در قانون اساسی تنها شرایط کلی و عمومی ذکر میشود و برای این شرایط باید معیارهای قابل سنجش ارائه شود که ارائه این معیارها در قوانین عادی انجام پذیر است.

اما چندین ماه قبل از انتخابات در مرداد ماه سال جاری خبر اصلاحات شرایط نامزدهای ریاست جمهوری تب و تاب به وجود آورد، طرحی که در صحن علنی پارلمان اعلام وصول شد و به منظور بررسی جزئیات آن به کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس ارجاع داده شد و در نهایت در صحن علنی مجلس با اخذ ۱۶۰ رأی موافق کلیات

رسانه های داخلی و خارجی داشته و موجب تقلیل کار در بررسی های اولیه توسط شورای نگهبان شده. اما فایده و سودش برای ما چیست؟ آماده ایم به اصلاح موارد کمی اکتفا کنیم یا به دنبال راه حلی برای رفع این اشفته بازار سیاسی و اقتصادی هستیم؟

از دیگر مواردی که توجه ویژه ای را به خود جلب کرده ارائه برنامه های انتخاباتی و بررسی و تایید ثانوی آن توسط شورای نگهبان جهت تایید و یا رد صلاحیت نامزدها است که در نگاه اول خوب و مفید به نظر میرسد ولی با اندکی تأمل به تجربه های بدست آمده به یاد خواهیم آورد یکی از ضعف های نامزدهای انتخاباتی و مسئولین اجرایی ارائه برنامه ها و قول های پوچی ست که به مرحله عمل نمیرسد و ضمانتی برای اجرای این تعهدات وجود ندارد. مگر نمی بینیم فی الحال رئیس جمهور از امور و وظایف خود شانه خالی میکند و در قعر دره نارضایتی ها و مشکلات، ملت خود را تنها گذاشته است

اما از همه مهم تر آن است که به نظر میرسد انتخابات تا حد قابل توجهی تضعیف شده و شورای نگهبان بسیاری از آنچه که باید مردم بررسی و نظر دهی می کردند را به عهده گرفته است!

به طور کلی اگر چه شاید گامی در جهت تغییر برداشته ایم اما اگر نگاهی بر اوضاع حاکم بباندازیم درمیابیم نباید آنچنان به این تغییرات خوش بین باشیم! تماماً این ها یک سمت قضیه است، سردیگر این طناب به دست ملت است، میزان رأی ملت است! همان رأی که اگر با بصیرت انتخاب و انداخته شود میتواند ورق را برگرداند. با این حال نمیتوان از تاثیر هریک چشم پوشی کرد. اگر در مواد قانونی دقت کافی به خرج داده نشود مشکلاتی بر روی مشکلات قبلی اضافه میشود و یا حتی میتواند ابزاری برای بهره برداری های سیاسی رسانه های اپوزیسیون و معاند باشد و اگر چشم بسته رأی انداخته شود سرنوشت ملتی در تاریکی فرو میرود...

صلاحیت ها و توانایی هاست، باید پرسید چرا زمانی که سخن از برابری به میان می آید شعار تساوری بین مرد و زن مطرح است و زمانی که پای ارکان سیاسی به میان می آید با وجود توانمندی های اثبات شده بانوان کنار گذاشته میشوند؟ کما اینکه رهبر معظم انقلاب میفرمایند: از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است.

از جمله سوالاتی که در مورد برخی مواد در ذهن متبادر میشود وسیله میزان و سنجش برخی از این شرایط همچون میزان آرمانخواهی و واقع گرایی و میزان استقلال شخصیتی فرد و حساسیت به انحراف، مشورت پذیری در افراد مورد نظر است

همچنین در این طرح آماده است نامزد ریاست جمهوری باید مشاوران خود را در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیربنایی و عمرانی، بین المللی، امنیتی و دفاعی رسماً معرفی کند و این شورای نگهبان است که این اختیار را دارد که با مصاحبه و آزمون از مشاوران و نامزد انتخاباتی صلاحیت آنان را رد و یا تأیید کند.

بر اساس مواد ۳۵ و ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۸۶ هیچگونه محدودیتی برای سطح علمی و مذهبی شخصی که می خواهد نامزد ریاست جمهوری شود، قید نشده این در حالی است که شرط مدرک تحصیلی از سواد خواندن و نوشتن به حداقل داشتن کارشناسی ارشد در این اصلاحیه ارتقا پیدا کرده است _ فارغ از اینکه تعدد مراکز آموزش عالی و امکان ساده اخذ مدارک تحصیلی بدون کیفیت و صرفاً اسمی در ایران اعتبار مدارک تحصیلی را به شدت تنزل داده است _ این ماده تنها باعث تقلیل کار وزارت کشور در جلوی گیری از هجمه ثبت نام های سخیفی که بازتاب های منفی در



معرفی کتاب: فتنه‌ی تغلب



SCAN ME

از طریق اسکن کردن QR-Code موجود در این صفحه و یا کلیک کردن بر روی آن، می‌توانید کتاب «فتنه تغلب» را به صورت الکترونیکی خرید و مطالعه فرمایید.

و درباره مسائل عمده جاری در کشور صمیمانه و بی‌پرده با ایشان به گفت‌وگو نشسته‌اند.

روایت‌های آقایان غلامحسین محسنی اژه‌ای و سید مهدی خاموشی که از دو موضع مختلف با نامزدهای معترض به نتایج انتخابات مذاکره شفاف کرده‌اند، حامل اطلاعاتی جالب‌توجه در مورد نگرش آنها به انتخابات و فراتر از آن، سطح تحلیل و زاویه دید آنها در تصمیم‌هایی است که در رابطه با مسائل پس از آن گرفته یا نگرفته‌اند.

دو روایت از دو خطبه نماز جمعه رهبر انقلاب در سال ۸۸ بازخوانی مهم‌ترین مواضع ایشان در جریان یک بحران حاد سیاسی و نگاهی به مبانی دینی سیاست‌های ایشان است. آقای مصطفی غفاری زمینه‌ها و پیامدهای تحلیلی خطبه ۲۹ خرداد را شکافته و روایت خطبه ۲۰ شهریور که کمتر به جزئیات آن توجه شده، با خوانش تحلیلی آقای رحیم‌پور ازغدی ریشه‌های تفکر و مدیریت سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در فتنه را روشن می‌کند. آخرین مطلب در بخش اصلی کتاب، پنج روایت از کنش‌های رهبر انقلاب است با مخاطبانی که منتقد رفتار نظام در جریان فتنه ۸۸ بوده‌اند. گفتار و رفتار ایشان در این مواضع که به قلم آقای حسین شهبسواری روایت شده، حاوی ظرافت‌ها و دقایقی است که به کار تحلیل‌گران خواهد آمد و ابعادی از تکاپوی نظام برای مهار فتنه را رونمایی می‌کند.

بخش پیوست، روایت متن بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره فتنه ۸۸، قبل، حین و بعد از رخداد آن است. این بیانات با دسته‌بندی بر اساس موضوع و مخاطب، از نظر زمانی نیز در پنج فصل مرتب شده و در ترکیب با قطعاتی منتشر نشده، شاکله اصلی تحلیل معظّم‌له را درباره ریز و درشت ماجرای فتنه در بر می‌گیرند.

اکنون با گذشت حدود یک دهه از برگزاری حماسه‌ی ۴۰ میلیونی انتخابات دوره‌ی دهم ریاست جمهوری و رخدادهایی که به علت ایستادگی در برابر نتیجه‌ی آراء و روندهای قانونی، کام مردم را تلخ کرد، انتشارات مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، کتاب «فتنه تغلب» را که به روایت‌هایی از متن و فرامتن فتنه‌ی ۸۸ اختصاص دارد، منتشر کرده است. این کتاب شامل روایت‌هایی است از بیانات و اقدامات رهبر انقلاب در جریان فتنه‌ی ۸۸ که می‌تواند لایه‌هایی تازه از واقعیت را نمایان کرده و رسوبات ابهام و تردید در این باره را از ذهن‌ها بزداید.

این کتاب شامل روایت‌های ناگفته‌ای از تلاش‌های پیگیر دلسوزان نظام برای مذاکره با نامزدهای معترض و صیانت از حق‌الناس است. خاطرات دکتر علی‌آقا محمدی که بخشی از مطالب بازگوشده و در دست انتشار ایشان در مؤسسه انقلاب اسلامی است، سیر دقیقی از یک رشته پیوسته از مذاکرات که با خواست مهندس موسوی آغاز و دنبال شده را روایت می‌کند. کار بزرگی که با وجود جلب همه همراهی‌ها از سوی مراکز ذیربط و حتی نظر موافق مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی، با تردیدها یا علل نامعلوم دیگر از سوی میرحسین موسوی به بن‌بست کشیده شد.

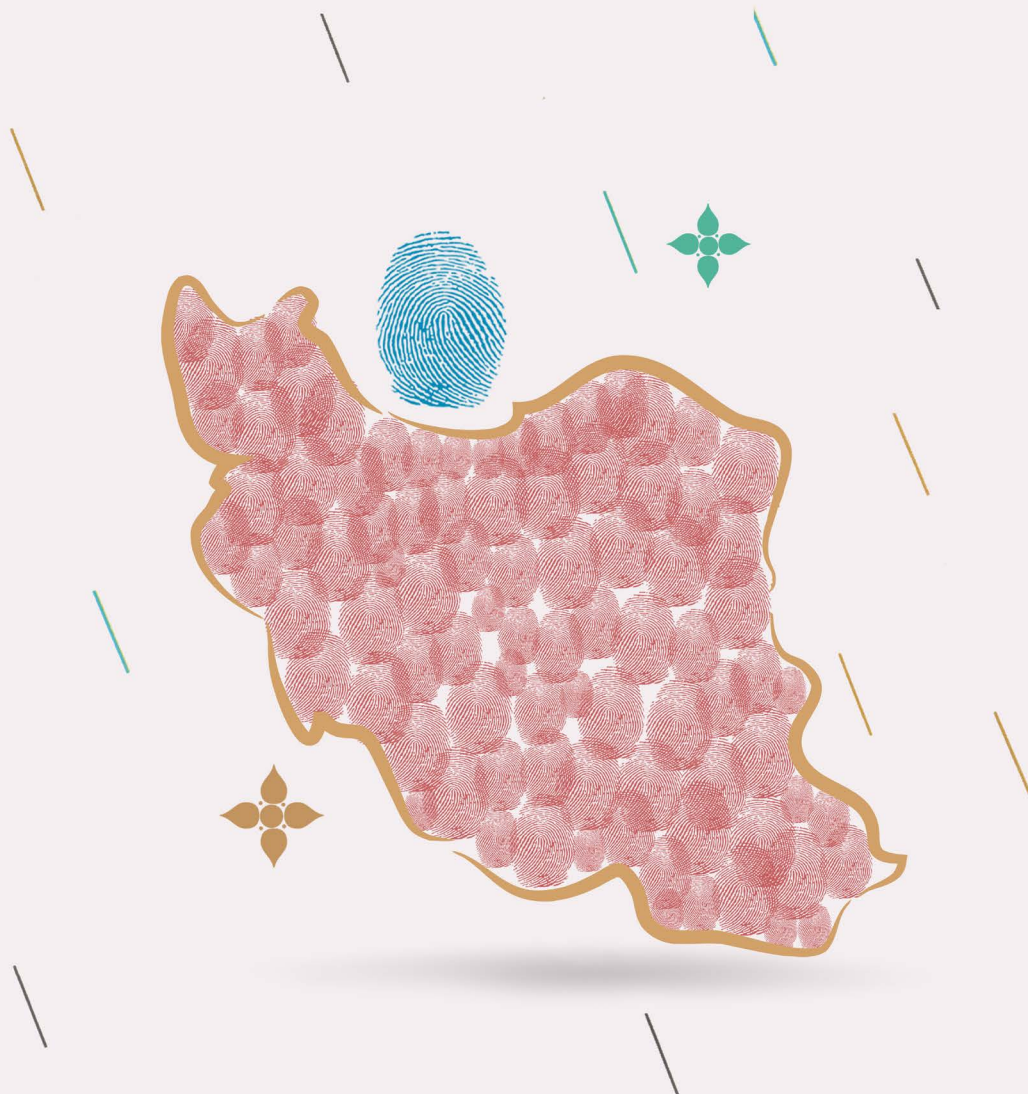
یادداشت آقای علیرضا شمیرانی ضمن ارائه روایتی تحلیلی از ماجرای فتنه در یک قالب تبیینی - استفهامی، حاوی اخبار و اطلاعاتی است که نقش رهبر معظّم انقلاب را در مهار فتنه به‌طور مستند (با ارجاع مکرر به گفته‌های مقامات مسئول کشور، برخی از اعضای دفتر رهبری، چهره‌های سیاسی هوادار نامزدها و...) به نمایش می‌گذارد.

مصاحبه با آقای حمید پارسانیا روایت منتشر نشده‌ای است از یک دیدار ویژه در اواخر تیر ۱۳۸۸ که چند تن از نخبگان و فضلاء حوزوی به حضور رهبر انقلاب رسیده



روایت‌هایی از متن و فرامتن فتنه‌ی ۸۸

گردآوری و تنظیم: مصطفی غفاری



اتحادیہ جامعہ اسلامی دانشجویان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، تقاطع ایتالیا، پلاک ۲۷
۰۲۱-۸۸۹۵۰۹۴۷

روی شناسه زیر کلیک کنید.

@JadNews.ir

